

سرمقاله

سعید آقای
روزنامه نگارپرسپولیس
باهویی
و دلارهای بی زبان

بازی مقابل النصر در ورزشگاه الاول. یک لشکر ستاره؛ رونالدو، مانه، بروزویچ. هواداران پر سر و صدا روی سکو.

النصر صدرنشین است و پرسپولیس در رتبه دوم. هر اندازه که النصر در شرایط ایده آلی به سر می برد، پرسپولیس در این هفته درگیر حواشی کیبود و اتفاقات عجیب و غریبی بوده که این تیم را از فرم مطلوب دور کرده.

۴ هفته متوالی نبرد، باخت در تهران، مصدومیت های متوالی. همه نشانه ها خبر از یک برد قاطع برای النصر و تداوم ناکامی های پرسپولیس می دهند اما سوت آغاز بازی که به صدا درمی آید، همه پیش بینی ها تلخ اندیشانه رنگ می یازد.

پرسپولیس در عین ناباوری در اتمسفر پر آشوب ریاض تیم برتر است و النصر را مثل موم در دستان خود دارد. از رونالدو و مانه خبری نیست. سروش رفیعی در میانه میدان طنزازی می کند، امید عالی شاه یک بار از راست و یک بار از چپ فرار می کند، مهدی ترابی مدافعان حریف را ذله کرده و همین پرسپولیس را بدل به تیم برتر زمین کرده؛ تیمی که همه کار می کند به جز گل زدن.

النصر در مگنکه حملات پرسپولیس قرار گرفته و کاملاً اسیر سرخ هاست اما تور دروازه تکان نمی خورد و قفل این دروازه بسته می ماند. پرسپولیس همه کار انجام می دهد اما گل نمی زند. مشکل قدیمی کماکان پا بر جاست.

پرسپولیس مهاجم شش دانگ و قاتل ندارد و کسی نیست که حریف را به قتل برساند؛ همان معضل کهنه ای که از فصل گذشته و پس از جدایی لوکادیا در پرسپولیس بروز کرده و تا به امروز حل نشده. شهاب زاهدی مهاجم اصلی پرسپولیس در این فصل است اما زاهدی بیشتر از اینکه یک مهاجم گلزن و شش دانگ باشد، یک مهاجم فیزیکی و تخریبی است که می تواند با مدافعان حریف بجنگد. طنز روزگار اما نیل باهوویی است؛ مهاجمی که اصلاً مهاجم نیست.

مهاجمی که هیچ کار خاصی انجام نمی دهد و با قرارداد بیش از ۶۰۰ هزار دلاری آمده تا کاری نکند و فقط پول بگیرد! پرسپولیس برای ۱۱مین بار از یک سوراخ گزیده شده تا با یک خرید بی خاصیت و به درد نخور دلارهای بی زبان را بر باد دهد.

کنایه آمیز اینکه این بار آتش به حدی شور شده که مربی نیز این مهاجم بی خاصیت را نخواسته و مدبرعامل شخصاً اقدام به خرید آن کرده! اتفاقی که فقط و فقط در ایران رخ می دهد.

با این پول نمی توان یک مهاجم طراز اول خرید اما بی تردید هزینه کرد آن پای امثال باهوویی نیز یک اشتباه بزرگ و نابخشودنی است.



علیرضا باویه

پارگی رباط صلیبی

علیرضا باویه بازیکن فولاد خوزستان با پارگی رباط صلیبی مواجه شد. این هافبک ۲۱ ساله که همراه با تیم فوتبال امید ایران نیز در رقابت های مرحله انتخابی المپیک و جام ملت های آسیا نیز حضور داشت، در بازگشت به تمرینات فولاد با اتفاق تلخی مواجه شد تا دست سرمربی اسپانیایی خالی تر از قبل شود. او در ترکیب فولاد به خوبی جا افتاده بود و به یکی از بازیکنان اصلی تیم تبدیل شده بود.



رسول کر بکنندی:

دفاع تیم ملی کند است

رسول کر بکنندی سرمربی سابق ذوب آهن و سپاهان با اشاره به نقطه ضعف تیم ملی می گوید: نگرانی من خط دفاع تیم ملی است. باید در دفاع مرکزی کم اشتباه تر ظاهر شویم. خط دفاع ما کند است و مدافعان ما مسن هستند. این باعث می شود که آسیب ببینیم. مقابل تیم های سرعتی خیلی مشکل داریم و باید هافبک های دفاعی به دفاعمان کمک کنند. در غیر این صورت به مشکلات بسیار زیادی برمی خوریم.



فرزاد آشوبی:

پرسپولیس با برد ال دحیل صعود می کند

فرزاد آشوبی هافبک سابق قرمزها روی برد شاگردان یحیی مقابل الدحیل در آخرین بازی مرحله گروهی لیگ قهرمانان آسیا و صعود پرسپولیس حساب ویژه ای باز کرده است؛ پرسپولیس در قطر الدحیل را اسیر خودش کرده بود. به همین دلیل فکر می کنم پرسپولیس در تهران به احتمال زیاد سه امتیاز بازی را خواهد گرفت. الدحیل فقط دو یا سه بازیکن تاثیرگذار دارد و مابقی بازیکنانش در حد معمول هستند.

صعود به جام جهانی ۹۸ باعث شد تا
به خودباوری برسیمجلالی: تری و نبلز
هیچ گافی در بازی
ایران و استرالیا نداد

هشت آذر دوباره از راه رسید. سالروز بازی تاریخی ایران و استرالیا در سال ۱۳۷۶ که با تساوی ۲-۲ به پایان رسید و منجر به صعود تیم ملی به جام جهانی ۱۹۹۸ فرانسه شد. دیداری که حالا ۲۶ سال از آن می گذرد اما همچنان در ذهن علاقه مندان به فوتبال باقی مانده و بسیاری از آن مسابقه به عنوان خاطره ای خوش و به یادماندنی یاد می کنند. اما امسال، سالروز این دیدار مصادف شد با درگذشت تری و نبلز سرمربی انگلیسی و مطرح سابق فوتبال جهان که در آن بازی هدایت استرالیا را برعهده داشت اما این تیم با وجود این مربی نتوانست برابر ایران به پیروزی برسد و در عین ناباوری از صعود به جام جهانی بازماند. مجید جلالی کارشناس فوتبال کشورمان در گفت و گو با «ایران ورزشی» در خصوص آن بازی و نبلز صحبت های جالبی انجام داده است.

حامد جیرودی

روزنامه نگار

در خصوص بازی ایران و استرالیا و تأییراتی که این مسابقه بر فوتبال ما گذاشت، صحبت می کنید؟

این بازی از نظر فنی تأثیر زیادی گذاشت اما نتوانست باورهای ما در فوتبال را قوی کند و آن نسلی

که آن اتفاق تاریخی را رقم زدند، نشان دادند که ما ظرفیت های زیادی داریم. بازی ایران و استرالیا یک اتفاق شیرین بود که ما را دوباره به جام جهانی برد و باعث شد تا دوباره به خودباوری برسیم.

بررسی بازی های تیم ملی در دوره های مختلف نشان می دهد که تا پیش از بازی ایران و استرالیا، تیم ملی بازی به این بزرگی پس از انقلاب برگزار نکرده بود. درست است؟

بله همینطور است. ما دیداری در آن سطح انجام ندادیم که حریف سرمربی سابق تیم ملی انگلیس را روی نیمکت داشته باشد و از بازیکنانی بهره ببرد که آن موقع در لیگ برتر جزیره و دیگر لیگ های اروپایی بازی می کردند. آقای و نبلز برای موفقیت در آن بازی، تمام اقدامات لازم را انجام داده بود و از نظر تاکتیک مربی هیچ گافی رخ نداد. همه چیز را آن وضعیت روانی بازی تغییر داد. مثل آن شخصی که آمد تور دروازه ایران را پاره کرد و این یک تأثیر منفی روی ذهن بازیکنان استرالیا گذاشت و یک تأثیر مثبت و قوی در ذهن بازیکنان ما به وجود آورد و گرنه از چهره خود و نبلز می شد اینطور استنباط کرد که چه کار باید می کردم که نکرده. هر کسی که با مربیگری آشنایی دارد، می داند که او کاری که برای آن بازی لازم بود را انجام داده بود و حتی تعویض های خوبی هم داشت اما اتفاق های حاشیه ای در آن بازی تأثیرگذار بود.

آیا نمی توان گفت که و نبلز و بازیکنان استرالیا در دو بازی رفت و برگشت، بخصوص در بازی دوم نگاه از بالای به تیم ملی ما داشتند و مغرورانه بازی کردند؟

نه اصلاً چنین چیزی وجود نداشت و حتی نشانه های آن را هم در طول دو بازی نمی توان مشاهده کرد.

استرالیا در بازی رفت که در آزادی برگزار شد، خیلی خوب بازی کرد و ما هم خیلی خوب بازی کردیم. در بازی برگشت هم آنها از شروع بازی تیم برتر بودند و بعد از دو گلی که زدند، باز هم شانس های دیگری برای گلزنی داشتند. حتی در ۱-۲ و ۲-۲ می توانستند به گل برسند ولی خوشبختانه این اتفاق نیفتاد و آن نتیجه شیرین حاصل شد.

درباره و نبلز و دوران مربیگری او چه نظری دارید؟

اولاً ایشان یک مربی آکادمیک بود و در دنیای فوتبال هم از لحاظ تاکتیک به عنوان مربی ای تأثیرگذار شناخته می شد. او مربی با نفوذی بود و می توانست بازیکنان بزرگ را متقاعد کند که از او حساب ببرند. و نبلز صاحب سبک و فکر بود.

یحیی روی همین اصل او پارسولونا را قهرمان لالیگا در فصل ۱۹۸۴-۸۵ کرد؟

حتماً. این یک پارامتر خیلی مهم است. اگر مربیان بزرگ می خواهند بدانند، اینکه بتوانند سوادشان را در قالب تمرینات و یکسری جملات شهادت خاصی می خواست اما خوب، طوری ارائه کنند که بازیکنان بزرگ به این باور برسند که زیر نظر این مربی در حال بهتر شدن هستند و می توانند موفق باشند مهم است.

آنها باید به این حس برسند که حرف هایی را می شنوند که تازه است و مدل تمریناتشان فرق می کند و تا به حال ندیده اند.

او از معدود مربیان انگلیسی موفق در خارج از این کشور بوده، اینطور نیست؟

می شود گفت ولی انگلیس در کل مربی بزرگ زیاد داشته است. از سر بابی رایسون گرفته تا روی هاجسون. هاجسون با اینکه ۷۶ سال دارد اما هنوز مربیگری می کند و سرمربی کریستال پالاس است. انگلیس فضای خاصی دارد که سعی می کند مربیانی را که آنها حتی بعضی وقت ها هنگام تمرین هم استاد یوم را پر می کنند. استعداد خاصی دارند حفظ کند و آنها را ارتقا دهد و الان هم این کار را کرده است.

جو فوتبالی و مردم مهربان، ما را
به ملوان رساندچترنور: فاصله ما با
تیم های سطح اول
آسیا کم شده است

با پیوستن افسانه چترنور، خانم گل فصل لیگ فوتبال زنان به ملوان انزلی، حالا همه نگاه ها به این تیم است. تیمی جذاب تر از همیشه. جذب او و شبنم بهشت از سوی ملوان ها سر و صدای زیادی به پا کرد، زوجی ارزشمند که هر تیمی آرزوی داشتن آنها را دارد. تنها چند روز پس از رسمی شدن حضورشان در انزلی، افسانه و شبنم توانستند در هفته اول لیگ برتر فوتبال زنان، در سیرجان و برابر تیم سابق خود، شهرداری این شهر نقش مهمی در پیروزی یک بر صفر برابر میزبان ایفا کنند. چترنور در هفته دوم برابر سپاهان نیز یک گل وارد دروازه حریف کرد. با این حال او در تیم ملی زنان ایران به واسطه شرایط خاص تیم ملی و بازی های کم تعداد در طول سال، فرصت کمتری برای درخشش داشته اما زمان برای او باقی است. حضور افسانه در تیم ملی فوتبال و بازی دشوار و متفاوت با استرالیا تیم چهارم دنیا در رقابت های انتخابی المپیک بهانه ای شد تا از تیم ملی تا حضورش در ملوان با او به گفت و گو بنشینیم.



پریسا غفاری

روزنامه نگار

چرا از شهرداری سیرجان جدا شدی و به ملوان انزلی رفتی؟

قطعاً جدا شدن از تیمی که شش سال آنجا بازی کردم شهادت خاصی می خواست اما بعد از آن نه تنها تمرینات و کادر فنی و بازیکنان، فاصله ما را با تیم های سطح اول آسیا کم کرده است.

یک اردو و یک ماه استراحت زمان کمی برای آمادگی کامل، آن هم در رویداد انتخابی المپیک بود؟

در میانمار مقابل تیمی که ۲۰ پله از ما بالاتر بود بازی خوبی انجام دادیم و توانستیم صاحب برتری شویم و به دور بعد صعود کنیم. اتفاقی که در خاطر همه دختران فوتبال ایران می ماند.

ما نتیجه ایده آلی گرفتیم اما بعد از آن نه تنها تمرینات و اردوهای زیادی نداشتیم بلکه فقط بازی های تدارکاتی با تیم آوا و خاتون بم انجام دادیم و راهی استرالیا شدیم. کار در استرالیا واقعاً سخت بود ولی ثابت کردیم اگر توجه بیشتری کنند بهتر نتیجه می گیریم. شاید الان حداقل یک برد هم

درباره انتخابی المپیک هم صحبت کنید.

کسب کرده بودیم.

تا به حال چنین تماشاگرانی را در بازی های رسمی تجربه نکرده بودید، حتی بازی در چنین استادیومی؟

به نکته درستی اشاره کردید. ما برای اولین بار بود در چنین استادیومی آن همه هوادار را از نزدیک لمس کردیم. رقابت با استرالیا که تیم چهارم جهان است و بازیکنانی مثل سام کر که در سطح اول فوتبال اروپا بازی می کنند خود پر از تجربه است. حس خیلی خوب و تجربه بزرگی بود.

فکر می کنید بزرگترین مشکل تیم ملی فوتبال زنان چیست؟

ما در انتخابی المپیک به مصاف تیم های بزرگی رفتیم و با غیرت به جنگ تیم هایی رفتیم که با برنامه ریزی بلندمدت از جام جهانی و پس از بازی های آسیایی هانگژو به این مسابقات آمده بودند اما برای ما اینطور نبود. امیدوارم فدراسیون توجه بیشتری کند، چون به کمک کادر فنی تیم ملی در این چند سال سعی کردیم فاصله مان را با تیم های آسیایی کمتر کنیم. پس حمایت فدراسیون این اختلاف را خیلی سریع تر کم می کند.